

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۸ جنوری ۲۰۲۰

رؤیاهای مالیخولیایی و عثمانی گری اردوخان از روژآوا تا لیبیا!

پارلمان ترکیه در راستای تحقق رؤیاهای عثمانی گری اردوخان رئیس جمهوری فاشیست این کشور، روز پنج شنبه دوم ژانویه ۲۰۲۰ با ارسال نیروی نظامی به لیبیا موافقت کرد و سندی را تصویب کرد که به رئیس جمهوری این کشور اجازه ارسال سرباز به لیبیا را می دهد.

مصطفی شنتوب، رئیس پارلمان ترکیه اعلام کرد قانون ارسال نیروی نظامی به لیبیا با ۳۲۵ رای موافق و ۱۸۴ رای مخالف به تصویب رسید. حزب حاکم توسعه و عدالت و هم پیمانانش اکثریت پارلمان ترکیه را در اختیار دارند با این حال همه احزاب مخالف به این قانون رای منفی دادند.

پیش از آن، دولت وفاق به ریاست فایز السراج از رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه در خواست حمایت نظامی کرده بود.

دولت «وفاق ملی» که بر طرابلس و بخشی از لیبیا تسلط دارد از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است. این دولت علیه جنرال شورشی حفتر مبارزه می کند که از طرف مصر، عربستان، امارات متحده عربی، فرانسه و روسیه حمایت می شود.

حفتر برای مبارزه با نیروهای ارتش ترکیه روز جمعه ۱۳ دی - سوم ژانویه، «بسیج عمومی» اعلام کرد. این جنرال در سخنرانی خود که از شبکه «الحدث» پخش شده خطاب به مردم لیبیا گفت که اکنون زمان رؤیای فرا رسیده و باید اختلافات را کنار گذاشت. حفتر گفت: «ما جهاد و بسیج عمومی اعلام کرده و مرد و زن، نظامی و غیرنظامی سلاح به دست می گیریم و از کشور و شرافت خود دفاع می کنیم.»

پارلمان لیبیا طرفدار جنرال حفتر که در شهر بنغازی مستقر است در یک نشست فوری به اتفاق آرا به دو تفاهم نامه امضاء شده بین دولت وفاق ملی و دولت ترکیه رای مخالف داد.

سازمان ملل، اخیرا اعلام کرده است که بعد از حملات نیروهای حفتر به طرابلس ۲۸۰ غیر نظامی کشته و ۱۴۰ هزار نفر آواره شدند.

پیش تر کشتی حامل ادوات نظامی ترکیه با نام «آمازون» که هشتم ماه مه ۲۰۱۹ - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸، از بندر سامسون به سمت لیبیا حرکت کرده بود در بندر طرابلس پهلو گرفته است. کمک های نظامی ترکیه به دولت وفاق ملی

لیبیا در حالی به طرابلس رسیده است که پیش تر رجب طیب اردو خان رئیس جمهوری ترکیه حمله نیروهای ارتش ملی به فرماندهی جنرال خلیفه حفتر به طرابلس را رد کرده بود.

پایتخت لیبیا از ۱۵ فروردین ۹۸ و هم زمان با دستور حفتر فرمانده ارتش لیبیا به نیروهای تحت امرش برای حمله به طرابلس؛ بار دیگر متشنج است.

احمد المسماری سخنگوی نیروهای حفتر، گفته است که سلاح و پهپادهای ترکیه به دست نیروهای مستقر در طرابلس رسیدند.

ارتش ملی لیبیا به فرماندهی جنرال خلیفه حفتر، شامگاه دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۸ - ۶ ژانویه ۲۰۲۰، اعلام کرد که شهر بندری سرت را تصرف کرده است. شهر بندری سرت در غرب لیبیا و در ساحل دریای مدیترانه در بین بنغازی و در فاصله ۴۵۰ کیلومتری طرابلس پایتخت لیبیا واقع شده است. نیروهای خلیفه حفتر، هم چنین تلاش می کنند، طرابلس که پایتخت دولت وفاق ملی به ریاست فایز سراج است را به تصرف خود در آورند. شهر سرت در حالی به دست نیروهای حفتر افتاد که از روز یکشنبه ۱۵ دی، نیروهای ارتش ترکیه برای کمک به دولت وفاق ملی عازم این کشور شده اند.



در چنین شرایطی، سازمان ملل طی گزارشی از تبدیل بحران لیبیا به یک بحران بزرگ بین المللی در سال ۲۰۲۰ میلادی خبر داد. سازمان ملل با اشاره به حمله نیروهای وابسته به جنرال خلیفه حفتر به طرابلس طی گزارشی اعلام کرد: بحران لیبیا طی ۹ ماه گذشته افزایش پیدا کرده و اکنون این کشور به میدان جنگ نیابتی تبدیل شده و ممکن است این جنگ به یک بحران بزرگ بین المللی در سال ۲۰۲۰ تبدیل شود.

در این گزارش که در پایگاه خبری برنامه سازمان ملل در فضای مجازی منتشر شده آمده است: روند صلح که توسط سازمان ملل شروع و در آستانه موفقیت بود، اکنون نابود شده است.

قرار بود نشست ملی با حضور تمام ائتلاف مختلف مردم، احزاب و گروه های مختلف در لیبیا برگزار شود تا طی آن لیبیائی ها مقدمات برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری را فراهم کنند و با انجام انتخابات مزبور به بحران کشورشان تا پایان سال ۲۰۱۹ پایان دهند، اما چند روز قبل از برگزاری نشست ملی لیبیا نیروهای وابسته به حفتر به طرابلس حمله کردند و روند سیاسی پایان دادن به بحران لیبیا را به شکست کشاندند.

آنتونیو گوترش روز جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ - سوم ژانویه ۲۰۲۰، اعلام کرد که ادامه نقض تحریم سلاح که توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال شده اوضاع را در لیبیا وخیم تر خواهد کرد.

دبیرکل سازمان ملل متحد تاکید کرد پیروی دقیق از تحریم سلاح برای پایان دادن به خصومت ها در لیبیا ضروری است. او هم چنین خواستار «آتش بس فوری» و «گفت و گوی سیاسی بین همه طرفین» شد.

گوترش این سخنان را بعد از موافقت پارلمان ترکیه با اعزام نیروهای این کشور به لیبیا بیان کرده است.

در واکنش به اعزام نیروهای نظامی ترکیه به لیبیا، جوزپ بورل، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۱۶ دی - ۶ ژانویه، خواستار یافتن راه حل دیپلماتیک برای بحران لیبیا شد.

مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه ای نوشت: «آخرین تحولات در لیبیا نشان می دهد که افزایش خشونت در اطراف طرابلس می تواند قریب الوقوع باشد.» بورل ادامه داد: «امروز بیش از هر زمان دیگری، همکاری واقعی برای رسیدن به یک راه حل سیاسی در زمینه بحران لیبیا ضرورت دارد.» او گفت که اتحادیه اروپا از همه طرف های درگیر می خواهد که به روند سیاسی زیر نظر سازمان ملل متحد متعهد باشند.

جنرال حفتر که از حمایت روسیه نیز برخوردار است از آوریل گذشته در تلاش است که کنترل طرابلس، پایتخت لیبیا را به دست بگیرد. او اعلام کرده که در روز ۱۲ دسامبر، حمله دیگری را که «سرنوشت ساز» خوانده، آغاز می کند. طرابلس اکنون در کنترل «دولت وحدت ملی لیبیا» است که از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته می شود. رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه، شامگاه یکشنبه ۱۵ دی - ۵ ژانویه از آغاز اعزام نیروی نظامی این کشور به لیبیا در حمایت از دولت وحدت ملی خبر داد.

قرار است یک نشست چهارجانبه از سوی چهار کشور اروپایی ایتالیا، فرانسه، یونان و قبرس، روز چهارشنبه در قاهره درباره لیبیا برگزار شود. وزارت امور خارجه مصر، روز دوشنبه ۶ ژانویه با هشدار درباره تبعات افزایش خشونت در کشور همسایه خود، اعلام کرد که این نشست با هدف یافتن یک راه حل کلی برای بحران لیبیا است.

از زمان سرنگونی حکومت محمد مرسی، رئیس جمهوری پیشین مصر از سوی عبدالفتاح سیسی در سال ۲۰۱۳، روابط ترکیه و مصر پرتنش شده است. مرسی با آنکارا روابط نزدیکی داشت.

هم چنین آنگلا مرکل، روز شنبه ۲۱ دی - ۱۱ ژانویه با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه درباره موضوعات مختلف از جمله لیبیا، در مسکو گفت و گو می کند.

حضور و هزینه های نظامی روزافزون ترکیه در حال حاضر از، سرویه، روژآوا و افغانستان در شروع می شود و حدود ۱۲ کشور، تا کوزوو و آلبانی در غرب، سومالی و سودان در جنوب و جمهوری آذربایجان در شمال تداوم می یابد و کشورهایی چون قطر، بوسنی و هرزگوین، لبنان، عراق، سوریه، جمهوری ترک قبرس شمالی و حتی جمهوری دموکراتیک کنگو در غرب آفریقا را شامل می شود.

رجب طیب اردوخان رئیس جمهور ترکیه در سخنانی اعلام کرده بود: «در پاسخ به آنانی که می گویند ترکیه در لیبیا دخالت می کند، می گویم اگر شما دعوت رسمی دولت لیبیا از آنکارا برای اعطای کمک به آن دولت رسمی مورد تأیید سازمان ملل را دخالت تلقی می کنید، درباره حضور ۵ هزار سودانی و ۲ هزار مزدور وابسته به شرکت واگنر روسیه در لیبیا چه می گوئید، حتی از آن ها نمی پرسید که به چه عنوانی وارد لیبیا شده و مأموریت آن ها در این کشور چیست؟»

این در حالی است که مصر رایزنی های گسترده ای را برای مقابله با اعزام نیرو از سوی ترکیه به لیبیا شروع کرده است.

در شرایطی که دولت وفاق ملی لیبیا مستقر در طرابلس در حال مبارزه و دفع حمله های صورت گرفته از جانب نیروهای وابسته به جنرال «خلیفه حفتر» است، یک مقام این دولت تأیید کرد که درخواستی رسمی از جانب دولت وفاق ملی برای دریافت پشتیبانی نظامی هوایی، زمینی، دریایی به ترکیه ارائه شده است.

از سوی دیگر یک منبع آگاه به الجزیره، گفته است: ترکیه به لیبیا مستشاران نظامی اعزام و تجهیزات و پدافند هوایی ارسال می کند. اگر مصر و امارات به نفع حفتر وارد عمل شوند، نیروهای ویژه ترکیه هم برای دفع این دخالت وارد عمل خواهند شد.

این در حالی است که الجزیره گزارش داد که بر اساس اطلاعات برخی منابع؛ آنکارا عوامل اطلاعاتی خود را به دنبال امضای توافق با طرابلس به لیبیا اعزام کرده است.

«سینان سویلماز» تحلیل گر نزدیک به دولت ترکیه، به الجزیره گفت: «با توجه به این که مرز زمینی میان ترکیه و لیبیا وجود ندارد و بعد مسافتی که وجود دارد هر تصمیمی درباره اعزام نیروها به لیبیا با اعزام شمار زیادی از نیروهای ارتش با تجهیزات نظامی و لجستیکی زیاد و گشودن خط ترابری هوایی و دریایی برای کمک به این نیروها خواهد بود. اعزام این حجم از نیرو بدون حمایت و پشتیبانی کافی با اصول نظامی هم خوانی ندارد و باید حتما پشتیبانی رخ دهد.» هم زمان الجزیره گزارش داد که آنکارا به دنبال امتیاز گرفتن از مسکو در لیبیا در مقابل دادن امتیاز درباره سوریه است یعنی به این صورت که به روسیه به حفتر فشار وارد کند تا به طرابلس حمله نکند و در مقابل در ادلب سوریه، ترکیه امتیاز بدهد.

هم زمان اسکای نیوز در گزارشی به راز تحرکات ترکیه در لیبیا پرداخته و علت آن را حجم بزرگ سرمایه گذاری ترکیه در لیبیا که ارزش آن بالغ بر ۲۸.۹ میلیارد دلار می رسد، دانسته است.

این رسانه می نویسد: «پیمان کاران ترکیه پروژه های بزرگی در لیبیا دارند که ارزش آن بالغ بر ۲۸.۹ میلیارد دلار است و شاید این هدف واقعی حمایت گسترده ترکیه از دولت سراج است. ترک ها پروژه های نیمه تمامی دارند که وعده داده اند که آن ها را کامل کنند. حمله حفتر به طرابلس همه طمع ورزی های ترکیه را ناکام گذاشته است.»

«عبدالباری عطان» تحلیل گر معروف جهان عرب، درباره اعزام نیروهای ترکیه به لیبیا در مطلبی در رای الیوم آورده است: «رجب طیب اردوخان رئیس جمهور ترکیه از آمادگی برای ورود به جنگ کنونی در لیبیا و حمایت کامل از دولت وفاق ملی علیه خلیفه حفتر خبر داده است که طرابلس را محاصره کرده و نیروهایش در حال پیشروی سریع با حمایت مصر، امارات، روسیه، ایتالیا و فرانسه هستند و درگیری خونینی در جریان است.»

وی می نویسد: «اردوخان در سفر سرزده به تونس که در معیت آن شمار زیادی از مستشاران نظامی بودند، تیر اول و مهم در این دخالت نظامی را هنگامی که گفت که حمایت همه جانبه ای از دولت طرابلس به عمل می آوریم، شلیک کرد. اردوخان با روس ها در رؤیاری نظامی مستقیم قرار خواهد گرفت که آن ها را متهم به اعزام ۲۰۰۰ مزدور از طریق شرکت روسی و اکثر نزدیک به کرملین کرده است.»

عطان افزوده است: «این بحران روابط میان ترکیه و روسیه پس از شکست هیاتی که اردوخان به مسکو برای رایزنی درباره سوریه و لیبیا اعزام کرده بود، رخ می دهد این مذاکرات که سه روز به طول انجامید و بسیار طولانی تر از حد انتظار بود، به توافقی منجر نشد و بر اساس گزارش های واصله، هیات ترکی که شامل نظامیان و افسران اطلاعاتی عالی رتبه بود، با خشم و ناامیدی به آنکارا بازگشت زیرا روس ها بر موضع خود در ادلب سوریه و طرابلس لیبیا اصرار کردند و با دخالت نظامی ترکیه در لیبیا مخالفت کردند.»

وی ادامه داد: سفر اردوخان به تونس طوفانی به راه انداخت به ویژه پس از این که اردوخان و فتحی پاشا وزیر کشور دولت وفاق لیبیا از ائتلاف تونس-الجزایری-ترکیه ای در زمینه همکاری اقتصادی و ثبات سیاسی و اقتصادی در لیبیا سخن راندند و این گونه برداشت شد که تونس در صف حامیان دولت وفاق ملی لیبیا است که رشیده النیفر مشاور رسانه ای رئیس جمهور تونس آن را رد و اعلام بی طرفی کرد. شایعات گسترده ای درباره قصد ترکیه برای اعزام

پایگاه نظامی در تونس و استفاده از آن به عنوان محل پذیرش نیروها و تجهیزات مخابره شد که ریاست جمهوری تونس آن را نیز تکذیب کرد.»

عطوان تاکید کرد: «ورود نیروهای ترکیه به لیبیا آتش جنگ منطقه ای را شعله ور خواهد کرد و به نظر می رسد که اردوخان در آستانه ماجراجوئی یا قمار بزرگ زندگی سیاسی خود است به ویژه که ماجراجوئی آن در سوریه مشکلات زیادی به دنبال داشته است و راه به جایی نبرده است.»

وی می نویسد: «اردوخان نمی خواهد که لیبیا هم به مصر دیگری تبدیل شود و جنرال حفتر به عبدالفتاح السیسی دیگری تبدیل شود و از همین رو تمام توان خود را پشت این دولت وفاق ملی گذاشته است و گزینه‌های بسیار هزینه آور از حیث مالی، بشری و سیاسی است. اردوخان برای اولین بار از حضور یک میلیون شهروند لیبیائی اصالتاً ترک در لیبیا سخن می گوید که باید مورد حمایت قرار گیرند اما آیا این شهروندان که وی از آن ها به عنوان پوششی برای دخالت نظامی قریب الوقوع سخن می گوید جان شان در خطر است؟ از جانب چه کسی؟»

عطوان آورده است: «طرابلس مانند سوریه در همسایگی ترکیه نیست و فاصله زیادی با آن دارد و این از حیث معیارهای نظامی موفقیت دخالت نظامی را زیر سؤال می برد از سوئی کشورهای بزرگی در اردوی مقابل هستند چه منطقه ای و چه بین المللی برخی مانند مصر و سودان همسایه لیبیا هستند و لیبیا را بخشی از امنیت ملی خود می دانند.» با توجه به این مباحث، به هر حال قدر مسلم آن است که اردوخان به ماجراجوئی در لیبیا روی آورده است که در مسیر آن خطرات بزرگی نهفته است و می توان از آن به عنوان باتلاقی نام برد که وی در حال نزدیک شدن به آن است؛ به ویژه که هم اکنون نبردی سنگین میان نیروهای جنرال حفتر و نیروهای وابسته به دولت وفاق جریان دارد.

دو بازیگر مهم در داخل لیبیا وجود دارد دولت شرق که با محور جنرال حفتر است دولت غرب که با غویل بودند و نیروهای نظامی که طرابلس را تصرف و آن را به ۳ یا ۴ بخش تقسیم کردند که هر بخش در حوزه یک گروه است و دولت سازمان ملل. در مجموع تعدد کانون قدرت و بازیگر در داخل لیبیا، تعدد منافع در حوزه کشورهای همسایه و در محیط بین الملل یک وضعیت پیچیده ای را در این کشور ایجاد کرده است. اکنون تمام بازیگران در عرصه لیبیا با یکدیگر رقابت دارند که قدرت در اختیار هرکس قرار گرفت، منافع آن ها تامین شود.

روس ها معتقدند که لیبیا یک هم پیمان سنتی و قدیمی مسکو است. سلاح و تجهیزات ارتش لیبیا تماماً ساخت روسیه بود. روس ها نفوذ خیلی خوبی در لیبیا داشتند. شاید بتوان گفت تنها کشور آفریقائی که روس ها نفوذ و ارتباط قوی داشتند، لیبیا بود. از این رو، روسیه یک هم پیمان و یک فرصت اقتصادی خوبی را در شمال آفریقا از دست داد. البته آن روزها روس ها خیلی ضعیف بودند الان در سایه جنگ داخلی سوریه، قوی شده اند. اگر آن روزها قوی بودند شاید به این راحتی از لیبیا دست نمی کشیدند. بنابراین، مسکو به یک نوعی پشیمان است که چرا در شورای امنیت اجازه داد، این اتفاقات علیه لیبیا رخ دهد. اما روس ها با حفتر و دولت شرق لیبیا بیش تر نقطه اشتراک دارند.

فرانسوی ها با امریکائی ها در آفریقا تضاد منافع دارند. وقتی که روسیه و فرانسه در یک طرف قرار می گیرند، طبیعی است امریکا در آن جا خیلی سهمی نخواهد داشت.

لیبیا دارای چند ویژگی است که سبب شده تا بازیگران شمال آفریقا در لیبیا دخالت کنند. یکی از ویژگی ها، آن است، لیبیا با جمعیت ۶ میلیون نفری دارای درآمد بالای نفتی است. در حقیقت، لیبیا جزء کشورهای ثروتمند شمال آفریقا است. این کشور دارای درآمد سرانه تا ۱۲ هزار دالر بود که این سطح درآمد از لحاظ اقتصادی معادل سطح درآمد استاندارد اروپاست. در جریان بهار عربی که مردم لیبیا انقلاب کردند، آنان مشکل مالی و اقتصادی نداشتند، انقلاب مردم بیش تر علیه دیکتاتوری قذافی بود. لیبیا تنها کشوری بود که مردمانش برخلاف مصر و تونس توانستند حکومت حاکم را

به طور کامل سرنگون سازند. در مصر و تونس حکومت سابق کاملاً از بین نرفت، بلکه تغییرات و اصلاحاتی در آن‌ها ایجاد شد که به تدریج این اصلاحات از بین رفت و حکومت‌ها به حالت قبلی‌اش بازگشتند.

سالانه یکی دو میلیون مصری، یک میلیون تونسی، جمعیت هائی از چاد و سودان به لیبیا می‌آیند تا در این کشور کار کنند و نیازهای اقتصادی‌شان را بر طرف سازند. این نیاز کشورهای همسایه به لیبیا از لحاظ درآمدهای ناشی از اعزام نیروی کار به آن کشور سبب می‌شود که اهمیت لیبیا افزایش یابد. به همین دلیل، کشورهای همسایه می‌کوشند تا تحولات لیبیا به سود منافع آن‌ها رقم بخورد. این موضوع محدود به همسایگان لیبیا نیست بلکه چین، ترکیه، کره و سایر کشورهای هائی که در لیبیا منافع دارند، می‌کوشند این منافع حفظ شود. این کشورها معتقدند لیبیا بازار اقتصادی خوبی دارد.

این کشور در جنوب دریای مدیترانه از یک نفت با کیفیتی برخوردار است. در مقاطع مختلف تاریخی که اختلالی در سیستم صدور نفت از خلیج فارس به وجود آمده این موضوع سبب شده است تا اهمیت لیبیا افزایش یابد. مثل سال ۱۹۷۳ که جنگ اعراب و اسرائیل به وقوع پیوست. اهمیت لیبیا در عرصه انرژی به نفت محدود نمی‌شود، این کشور گاز مورد نیاز ایتالیا را تامین می‌کند.

فرانسه، ایتالیا و آمریکا بیش از همه ادعا دارند که باید در لیبیا و شمال آفریقا سهم داشته باشند. فرانسوی‌ها معتقدند این جا سرزمین سنتی آنان است و باید سلطه‌شان را بر این منطقه حفظ کنند. ایتالیائی‌ها معتقدند که در لیبیا یک تاریخی دارند و می‌خواهند به یک نحوی به لیبیا بازگردند. آمریکا ادعا دارد، به عنوان یک ابرقدرت در همه جا سلطه دارد، بازگشتش به آفریقا از طریق لیبیا می‌تواند نقطه خوبی برای گسترش منافع‌اش باشد. ترکیه هم یک سهم اقتصادی در لیبیا دارد. یک جریانی به نام اخوانی در لیبیا وجود دارد که ترک‌ها می‌خواهند از آن حمایت کنند. قطر نیز می‌خواهد از جریان‌های اخوانی لیبیا حمایت کند. روسیه، چین، فیلیپین، کره و بسیار از کشورها هم از نگاه اقتصادی به تحولات لیبیا نگاه می‌کنند. این کشورها در تحولات لیبیا نقش آفرینی می‌کنند.

کارشناسان می‌گویند در این درگیری‌های نظامی که حدود ۹ سالی است در لیبیا ادامه دارد، نفت این کشور از بندر سرت به راحتی صادر و پول آن به بانک مرکزی لیبیا واریز می‌شود. این پول به صورت حقوق به تمام طرف‌های درگیر در جنگ پرداخت می‌شود تا آن‌ها برای ادامه جنگ در آمد داشته باشند.

به هر حال، هنوز وضع مالی‌شان لیبیا خوب است و با بحران اقتصادی مالی آن چنانی مواجه نشده است گرچه از لحاظ امنیتی، بهداشتی و رفاهی وضعیت مردم بسیار تنزل کرده اما در شرایط کنونی مشکل آنان امنیتی است.

در نوامبر سال ۲۰۱۹ - ششم آذرماه، دولت ترکیه با دولت ملی لیبیا به رهبری «فائز السراج» دو توافق‌نامه جداگانه - یکی در حوزه همکاری نظامی و امنیتی و دیگری در حوزه مرزهای دریائی در شرق دریای مدیترانه - امضا کرد. ولی در مورد جزئیات توافق و محل دقیق مرزهای دریائی دو کشور اطلاعاتی نداد. این توافق در دیدار رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهور ترکیه با فایز السراج، رئیس‌دولت مستقر در طرابلس امضاء شد. دولت مورد حمایت جامعه بین‌المللی در طرابلس نیز امضاء این توافق با ترکیه را تائید کرد ولی جزئیات آن را اعلام نکرده است. اما دولت رقیب که در شرق لیبیا مستقر است این توافق را غیرقابل قبول دانست.

مولود چاوش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه گفت این توافق در مورد تعیین حریم دریائی و به معنای دفاع از حقوق ترکیه بر اساس قوانین بین‌المللی است.

مصر، همسایه لیبیا این توافق را «غیرقانونی» توصیف کرد و یونان گفت چنین توافقی از نظر جغرافیائی مضحک است چون جزیره کرت یونان را که بین سواحل ترکیه و لیبیا واقع شده نادیده گرفته است.

«نیکوس دندنیاس»، وزیر خارجه یونان گفت: «هر گونه توافقی بین ترکیه و لیبیا نادیده گرفتن یک سرزمین جغرافیایی بزرگ، یعنی جزیره کرت است که بین دو کشور قرار دارد. در نتیجه هر گونه اقدامی برای تعیین حریم های دریایی به این شیوه مضحک است.»

مصر که از زمان سرنگون کردن دولت اسلامی و اخوان المسلمینی محمد مرسی در سال ۲۰۱۳ مناسباتش با ترکیه تیره شده این توافق را «غیرقانونی» توصیف کرد و اعلام کرد: «این توافق بر منافع کشورهای ثالث تأثیری نخواهد داشت و رعایت آن برای هیچ کشوری الزام آور نیست.»

پس از سقوط معمر قذافی در لیبیا به دنبال حمله کشورهای عضو ناتو، یک نزاع دو طرفه بر سر قدرت در این کشور شمال آفریقا در جریان است که در این میان بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای از جمله عربستان، امارات، مصر، ترکیه، اروپا و امریکا و روسیه هر کدام ظاهرا از یکی از طرف های درگیر در این بحران حمایت می کنند.

در یک طرف این جنگ دولت وفاق ملی به رهبری فائز السراج قرار دارد که در پایان ۲۰۱۵ بر اساس توافقی زیر نظر سازمان ملل تشکیل شده و طرف دیگر آن هم مقامات شرق این کشور تحت رهبری عقیله صالح رئیس مجلس نمایندگان لیبیا مورد حمایت ارتش ملی به فرماندهی جنرال خلیفه حفتر قرار دارد. دولت مستقر در طرابلس از سوی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده و برخی از کشورهای جهان از جمله ترکیه و قطر از آن حمایت می کنند. در مقابل، نیروهای به فرماندهی جنرال خلیفه حفتر که در شرق لیبیا مستقر است بخش اعظم تاسیسات نفتی کشور را در کنترل دارند. اما درآمد حاصل از نفت توسط بانک مرکزی لیبیا که در طرابلس است کنترل می شود.

حفتر که مورد حمایت برخی از کشورها از جمله امارات متحده عربی، مصر، عربستان سعودی، روسیه و فرانسه قرار دارد، در تلاش است تا با ورود به طرابلس، دولت سراج را که مورد حمایت سازمان ملل متحد است، سرنگون کند، در مقابل کشورهای دیگری از جمله ترکیه، قطر و بخشی از کشورهای اروپایی نیز تلاش می کنند از هیچ گونه حمایتی از دولت مرکزی این کشور دریغ نکنند.

موضع گیری ها و اقدامات ترکیه در رابطه با جنگ و بحران لیبیا، برخی دولت ها و سازمان ملل را نیز نگران کرده است. این نگرانی زمانی افزایش یافت که وزیر کشور حکومت طرابلس به ریاست فائز السراج از تشکیل ائتلافی از کشورهای لیبیا، ترکیه، الجزایر و تونس در برابر نیروهای خلیفه حفتر فرمانده ارتش ملی لیبیا، سخن گفت.

البته الجزایر نیز از مداخله آشکار ترکیه در کشور همسایه اش لیبیا و از این که اردوخان تلاش دارد، پای الجزایر را در باتلاق لیبیا بکشاند، به شدت نگران است. از این جهت عبد المجید تبون، رئیس جمهور جدید الجزایر، با شورای عالی امنیت ملی الجزایر که جز در موارد ضروری و استثنائی دایر نمی شود، تشکیل جلسه داده و در این باره به رایزنی و مشورت پرداخته است.

الجزایر که خود در وضعیت داخلی سختی قرار دارد و پس از ۸ ماه رکود سیاسی، تازه از انتخابات ریاست جمهوری بیرون برآمده است، در تلاش است تا از یک طرف مرزهای خود را محافظت کند و از سوی دیگر، نقش گذشته خود را در رابطه به پرونده های منطقه ای و بین المللی، به ویژه بحران لیبیا، احیا کند.

به همین دلیل عبدالمجید تبون، رئیس جمهور الجزایر، از این که از کشورش برای اشتراک در کنفرانس برلین پیرامون لیبیا دعوت نشده است انتقاد کرده و اظهار داشته است که دور نگه داشتن الجزایر از حل بحران لیبیا پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر، رئیس جمهور ترکیه هم در حین دیدار از تونس، مشارکت الجزایر در نشست برلین را ضروری دانست.

اسماعیل خلف الله، استاد قانون بین الملل، به «اندپندنت عربی» گفته است: «بحران لیبیا اکنون به یک کشمکش بین المللی تبدیل شده است، مداخله ترکیه هم در همین چارچوب قرار می گیرد، اما اظهارات اردوخان، مبنی بر لزوم

مشارکت الجزایر در کنفرانس برلین، در حقیقت یک مانور سیاسی است که می‌خواهد از این طریق پای کشورهای همسایه را در این تنش‌ها کشانده و زمینه‌ای مداخله نظامی خود را در لیبیا فراهم کند.»

خلف الله افزود: «با وجود این که الجزایر پس از توافق ۲۰۱۵ در شهر الصخیرات مراکش میان جهت‌های درگیر در لیبیا، تا کنون از موضوع لیبیا به صورت باور نکردنی دور مانده است، اما با وجود آن الجزایر باید تلاش کند تا با حفظ رابطه مساویانه با سراج و حفتر، نقش خود را در این پرونده باز یابد.»

شایان ذکر است که هرچند الجزایر در حمایت از حکومت فایز السراج در ظاهر با ترکیه هماهنگی نشان می‌دهد، اما مداخله نظامی ترکیه به لیبیا، الجزایر را به خشم آورده است؛ چرا که این اقدام دروازه را به روی یک درگیری نظامی بین المللی در لیبیا که یک هزار کیلو متر مرز مشترک با الجزایر دارد، باز خواهد کرد.

از جانب دیگر، موضع اردوخان درباره لزوم مشارکت الجزایر در نشست برلین و پس از آن اعلام لطفی باشا آغا، وزیر کشور حکومت فایز السراج مبنی بر تشکیل ائتلافی از کشورهای چهارگانه لیبیا، ترکیه، الجزایر و تونس نشان می‌دهد که اردوخان قصد دارد پای الجزایر را به باتلاق لیبیا بکشانند.

وزیر کشور حکومت فایز السراج در توجیه ائتلاف چهارگانه یاد شده گفته بود: «سقوط پایتخت لیبیا طرابلس، به معنای سقوط تونس و الجزایر است؛ زیرا پروژه جنرال خلیفه حفتر گسترده است و هدف از عملیاتی که اخیراً به راه انداخته، ایجاد نا امنی و بی‌ثباتی در شمال آفریقا می‌باشد.»

موارد یاد شده باعث افزایش نگرانی الجزایر شده و این نگرانی را برایش به وجود آورده است که ممکن است بحران لیبیا به کشورهای همسایه سرایت کرده، امنیت و ثبات منطقه را به خطر اندازد.

در واقع کشاندن الجزایر به بحران لیبیا از سوی ترکیه، عمار قردود، کارشناس امور امنیتی به اندپندنت عربی، گفته است: «ترکیه در تلاش است تا پای الجزایر را به باتلاق لیبیا کشانده و همکاری این کشور را در مداخله نظامی خود به لیبیا، به دست آورد.»

قردود افزود: «از همین جهت اردوخان رئیس جمهور ترکیه، خواستار مشارکت الجزایر در نشست برلین است، افزون بر آن، اردوخان از عبد المجید تبون، رئیس جمهور الجزایر نیز تقاضای دیدار کرده است اما وی از دیدار با رئیس جمهور ترکیه معذرت خواسته است. از سوی دیگر ترکیه، در یک اقدام ناگهانی، از شهروندان الجزایری که عمر آن‌ها کم‌تر از ۱۵ سال یا بیش‌تر از ۶۵ سال باشد، ویزای ورود به ترکیه را لغو کرده و اعلام کرده است که آن‌ها می‌توانند، بدون نیاز به روادید به ترکیه سفر کنند، در حالی که یک سال پیش ترکیه صدور ویزا به اتباع الجزایر را بسیار سخت گرفته بود.»

قردود گفت: «رئیس جمهور تبون، طرحی را برای حل بحران لیبیا آماده کرده و شماری از نمایندگان خود را به کشورهای ذیربط فرستاده تا آن‌ها را در جریان قرار دهند.»

کارشناس یاد شده هم چنان افزود: «با در نظر داشت مداخله نظامی ترکیه در لیبیا و احتمال سقوط طرابلس به دست نیروهای خلیفه حفتر، الجزایر، ارتش خود را در حالت آماده باش کامل قرار داده و ده هزار نفر از افراد ارتش را در مرز زمینی با لیبیا جابجا کرده است. علاوه بر آن، الجزایر چندین پایگاه موشک انداز نیز در نزدیکی مرز نصب کرده و دو ماهواره را برای نظارت از مرزها در این منطقه تخصیص داده است.»

در همین حال، عبد المجید تبون، رئیس جمهور الجزایر، در سخنرانی که در روز مراسم سوگند ریاست جمهوری ایراد کرد، گفت: «امنیت و ثبات لیبیا جزو اولویت‌های مهم الجزایر است؛ از این جهت ما مسئولیت و وظیفه خود می‌دانیم تا برای نگرانی از تمامیت ارضی و یک پارچگی ملی لیبیا و تامین امنیت و ثبات در این کشور برادر، از هیچ

کوششی دریغ نکنیم.» او هم چنان افزود: «نادیده گرفتن نقش الجزایر در حل بحران لیبیا برای ما پذیرفتنی نخواهد بود.»

تبون هم چنان اشاره کرد که الجزایر همواره از مداخله در امور دیگران اجتناب کرده و به هیچ عنوان مداخله در امور خود را نیز از هر جهتی که باشد، نمی پذیرد.



ارتش ملی لیبیا اعلام کرد که یک فروند پهپاد ترکیه ای را در نزدیکی شهر طرابلس هدف قرار داده و ساقط کرده است. به گزارش الحدث، نیروهای «ارتش ملی لیبیا»، وابسته به جنرال حفتر اعلام کرده اند که موفق به سرنگونی یک پهپاد ساخت ترکیه در حومه شهر طرابلس در غرب لیبیا شده اند.

در همین ارتباط گفته شده که پدافند هوایی «ارتش ملی لیبیا» این پهپاد ترکیه ای را در محور «عین زاره» هدف قرار داده است.

چند ماه پیش از این نیز، نیروهای حفتر با حمله به فرودگاه معینتیه در طرابلس اعلام کردند که موفق به نابودی پهپادهای ترکیه ای و مرکز فرماندهی آن شده بودند.

اعلام سرنگونی پهپاد ترکیه ای تنها ساعاتی پس از آن صورت گرفت که پارلمان ترکیه اعزام نیروی نظامی به لیبیا را تصویب کرد.

گفته شده لایحه اعزام نیروی نظامی ترکیه به لیبیا با ۳۲۵ رای از مجموع ۵۵۰ نفر آرای نمایندگان به تصویب پارلمان رسیده است.

بر این اساس، پارلمان ترکیه به دولت این کشور مجوز اعزام نیرو و تجهیزات به لیبیا را داده است.

پیش نویس قانون اعزام نیروی نظامی به لیبیا روز دوشنبه به ریاست پارلمان ترکیه ارائه شده بود.

پارلمان ترکیه در حالی لایحه اعزام نیرو به لیبیا را روز ۱۲ دی، تصویب کرد که پیش تر اردوخان درخواست لیبیا برای حمایت نظامی را تائید کرده بود.

در حال حاضر درگیری های شدید بین نیروهای موسوم به «ارتش ملی لیبیا» به فرماندهی «خلیفه حفتر» و تیپ های دولت وفاق ملی به ریاست «فائز السراج» در جنوب طرابلس در جریان است.

هم اکنون لیبیا تحت اداره دو قدرت است. یکی پارلمان طبرق در شرق لیبیا و دیگری دولت وفاق ملی در طرابلس (پایتخت) در غرب این کشور که به ترتیب، نیروهای شرق تحت حمایت عربستان، مصر، امارات، فرانسه و روسیه هستند و دولت در طرابلس تحت حمایت ترکیه، قطر و ایتالیا است.

تقریباً ۹ سال از خلاء دولت و حاکمیت مرکزی در لیبیا می گذرد؛ این کشور طایفه ای که معمر قذافی، ۴۲ سال بر آن حکومت کرد و سال ۲۰۱۱ با اعتراضات بهار عربی و حمایت حملات ناتو از قدرت کنار زده و کشته شد، حالا دو قسمت شده است؛ در طرابلس، پایتخت آن، فایز السراج، نخست وزیری است که قدرتش را فقط سازمان ملل به رسمیت

شناخته اما در یک دست کردن کشور ناکام مانده است و در شرق کنترل دست مجلس نمایندگان منتخب است که از به رسمیت شناختن دولت سراج سر باز زده اند. بقیه کشور ده ها تکه شده و هر تکه را گروهی از شبه نظامیان کنترل می کنند.

با قتل فجیع قذافی، ظاهراً اولین هدف برای همه این بود که هرچه زودتر انتخابات برگزار شود و مجلسی تشکیل گردد که تدوین قانون اساسی را آغاز و زمینه برگزاری رفراندوم را فراهم کند. اولین انتخابات لیبیا پس از قذافی، هفتم جولای ۲۰۱۲ برگزار شد و مردم این کشور ۲۰۰ نماینده «کنگره ملی لیبیا» را انتخاب کردند. ۸۰ کرسی این مجلس به احزاب سیاسی و ۱۲۰ کرسی به افراد مستقل که با پیوندهای قومی و طایفه‌ای نامزد شده بودند، رسید. مدت کوتاهی از فعالیت اولین مجلس لیبیا نگذشته بود که خبر درگیری‌ها و اختلافات نمایندگان آن به رسانه‌ها درز پیدا کرد. نمایندگان یکدیگر را به فساد، تبانی و همکاری با گروه‌های شبه نظامی متهم می کردند و جلسات مجلس را بی نتیجه می گذاشتند. این اختلافات تا جایی عمیق و گسترده شد که دیگر انتخاب رئیس دولت را غیرممکن کرد. اختلافات گسترده در این مجلس به ویژه درباره مسائل اجتماعی باعث شد تعدادی از نمایندگان حضور در این مجلس را تحریم کنند. نخستین کودتای ناکام لیبیا هم از دل همین اختلافات درآمد و در سال ۲۰۱۳ تعدادی از اعضای مجلس تلاش کردند با کمک شبه نظامیان تحت حمایت شان عبدالرحمان الکیب، نخست وزیر را برکنار کنند. کیب سال ۲۰۱۱ از سوی شورای ملی انتقالی لیبیا به عنوان اولین نخست وزیر پس از قذافی انتخاب شده بود.

ناکارآمدی کنگره ملی لیبیا در حل مشکلات خودشان مردم را از حل مسائل بزرگ تر کشور مایوس کرد. هم زمان نبودن ارتش متحد، پولیس و نیروهای امنیتی لیبیا را وارد دوره ای از ناامنی های شدید کرد که نتیجه اش قدرت گرفتن شبه نظامیان ملی و مذهبی از جمله داعش در بخش های گسترده ای در لیبیا شد. در چنین شرایطی، جنرال خلیفه حفتر وارد میدان شد و با سابقه نظامی که داشت، توانست امید برای داشتن امنیت را در دل بسیاری از مردم لیبیا و حتی سیاست مداران آن روشن کند. حفتر که زمانی از نزدیکان قذافی بود، در دهه ۸۰ و به دلیل حمایت نکردن قذافی از حضورش در لیبیا به دشمن او تبدیل شده بود، بعد از سقوط قذافی به لیبیا بازگشت.

سال ۲۰۱۴ بنغازی، دومین شهر مهم لیبیا، پس از پایتخت مورد حملات گروه های افراطی قرار گرفت. در جریان این حمله که اعضای کنگره ملی لیبیا باز هم نتوانستند بر اختلافات خود غلبه کنند و تصمیم درستی برای کنترل شرایط بگیرند، جنرال حفتر عملاً علیه کنگره ملی کودتا کرد و اعلامیه نمایندگان آن را برای تمدید دوره فعالیت شان به رسمیت نشناخت. او بلافاصله عملیات کرامت را علیه افراط گرایان آغاز کرد و توانست حمایت بدنه ارتش سابق لیبیا را جلب کند. پس از آن یارگیری جنرال حفتر و شکل گیری ارتش مورد نیازش آغاز شد.

همان سال، دومین انتخابات مجلس لیبیا برگزار شد و بسیاری از اعضای سابق آن رای نیاوردند. این نمایندگان تصمیم گرفتند مجلس را به رسمیت نشناسند. آن ها پس از این ماجرا با کمک گروه های شبه نظامی متحدشان کنترل طرابلس را به دست گرفتند. اما اعضای مجلس جدید ترجیح دادند موضع خود را به عنوان پیروز انتخابات حفظ کنند. به این ترتیب، نمایندگان پیروز به شهر طبرق در شرق لیبیا رفته و هم زمان با تشکیل مجلس خود با جنرال حفتر ائتلاف کردند.

در چنین شرایطی بود که داعش در عراق و سوریه قدرت گرفته بود، دست همکاری به سوی گروه های شبه نظامی لیبیائی دراز کرد که در هیچ یک از دو دولت مستقر جای نگرفته بودند. داعش با استفاده از درگیری داخلی لیبیا تا دو سال پیش کنترل شهر سرت را در دست داشت تا این که نیروهای محلی، با حمایت حملات هوایی امریکا از آن پاک سازی شدند. اما با وجود شکست داعش در سوریه و عراق، لیبیا هم چنان یکی از پایگاه های این شبه نظامیان

است؛ شبه نظامیانی که پس از کشته شدن ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، در حال گسترش خود در شهرهای دیگر آفریقا هستند.

ادامه رقابت سیاسی میان دو دولت که دیگر به جنگی نظامی تبدیل شده، نه تنها مردم لیبیا بلکه جامعه بین الملل را از حل این بحران ناامید کرده است. در همه این سال ها، تلاش های بین المللی برای پایان دادن به این جنگ داخلی در جریان بوده است. نتیجه این تلاش ها توافق نمایندگان کنگره ملی و مجلس نمایندگان برای تشکیل یک دولت اتحاد ملی به ریاست جمهوری فایز سراج بود اما حفتر بخشی از این توافق نبود. او به حملات خود علیه افراتراییان ادامه داد و خودش را ناجی لیبیا معرفی کرد. از آن طرف سراج هم در تلاش برای عقب نماندن از رقیب سرت و مصراته را از افراتراییان پس گرفت. اما شرق لیبیا، هم چنان تحت کنترل حفتر است. حمله چندباره حفتر به طرابلس، اکنون باعث شده است دولت وفاق ملی لیبیا به رهبری سراج از نیروهای خارجی درخواست کمک کند. آخرین حمله نیروهای حفتر به جنوب طرابلس به هفته گذشته برمی گردد که به گفته رسانه ها، نیروهای او شکست سنگینی را در این حمله متحمل شدند. هم زمان با اعلام نیروهای حفتر برای حمله به طرابلس، رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه، از اعزام نیروهای این کشور برای حمایت از دولت سراج در طرابلس خبر داد. اردوخان که پیش تر گفته بود با درخواست دولت طرابلس حمایت خود را از لیبیا دریغ نمی کند.

این در حالی است که تصمیم اردوخان از سوی دولت مستقر در شرق لیبیا غیرقابل قبول خوانده شده و همسایگان لیبیا از جمله الجزایر و تونس نسبت به این اقدام ترکیه تردید دارند. ورود نیروهای ترکیه به لیبیا جنگ را در این کشور و بین دو دولت مستقر تشدید می کند و جدای از آن که قربانیان جدیدی را به آمار قربانیان جنگ لیبیا اضافه می کند، میدان جدید و مهیائی به تروریست هائی می دهد که اتفاقا در چند ماه گذشته و با مرگ رهبرشان در حال انتقال مرکزیت خود از خاورمیانه به آفریقا هستند.

طرابلس هم چون سوریه همسایه ترکیه نیست و نزدیک به دو هزار کیلومتر آب دریای مدیترانه با ترکیه فاصله دارد؛ امری که علامت سؤال های زیادی درباره فرصت های موفقیت این دخالت نظامی ترکیه با در نظر گرفتن معیارهای نظامی در جهان و با اشاره به خطوط امداد رسانی، جدای از حضور کشورهای بزرگ که در جبهه مقابل بین المللی و منطقه ای که بعضی از آن ها مانند مصر و سودان به لحاظ جغرافیائی هم جوار لیبیا هستند و لیبیا یکی از بارزترین حلقه های امنیت منطقه ای آن هاست، بر می انگیزد.

آن هم در شرایطی که دو طرف جنگ در لیبیا یعنی جنرال حفتر و دولت السراج مسؤول اوضاع کنونی در لیبیا و مسؤول هرج و مرج و بی ثباتی و جنگ هستند که این کشور از زمان دخالت نظامی پیمان ناتو و سرنگونی حکومت سرهنگ «معمر قذافی» در آن به سر می برد زیرا هر دو زیر چتر این ائتلاف جنگیند و پوشش و بهانه ها را برای این پیمان به منظور نابودی لیبیا بر آن مهیا کردند.

مردم لیبیا که با آغاز بهار عربی به خیابان ها آمدند تا دیکتاتوری قذافی را سرنگون کنند اما با دخالت سیاسی و نظامی دولت ها منطقه و جهان و در راس همه پیمان ناتو و امریکا، قربان شدند و کشورشان نیز ویران و تکه تکه شد. همین سرنوشت را با تفاوت هائی مردم سوریه و مصر تجربه کردند. در واقع واژه هائی چون دموکراسی و حقوق بشر، اسم رمز اشغال گری حاکمیت های بزرگ جهانی است. اکنون بیش از نیمی از مردم لیبیا، در کشورهای هم جوار یعنی مصر و تونس و برخی پایتخت های تبعیدگاه های خارجی آواره شده اند؛ ثروت های این کشور در روز روشن غارت کرده اند و کشورشان تقسیم شده تحت عنوان برقراری حقوق بشر و دموکراسی در این کشور!

اکنون به نظر می‌رسد که اردوخان در آستانه اقدام به بزرگ‌ترین «ریسک» یا «ماجراجویی» در حیات سیاسی اش است به ویژه آن که دیگر ریسک اش در سوریه و اشغال بخش‌هایی از روژآوا، برایش مشکلات و شکست‌های زیادی به بار آورده است.

رسیدن نیروهای ترکیه به لیبیا، چه بسا منجر به جنگ منطقه‌ای گردد و به نظر می‌رسد اردوخان در آستانه اقدام به بزرگ‌ترین «ماجراجویی» جدید در حیات سیاسی خود پس از جنگ داخلی سوریه و اشغال بخش‌های از روژآوا قرار دارد. او موفق نشد «بشار اسد» و دولتش را براندازد و هم‌پیمانانش را به کاخ ریاست جمهوری دمشق برساند اما به ویژه حکومت‌های روسیه، ایران، ترکیه، امریکا و...، چهار میلیون آواره سوری به ترکیه سرازیر کرد. اگر روسیه و ایران و بشار اسد بتوانند همه ادلب و حومه آن را پس بگیرند احتمال دارد که باز میلیون‌ها نفر آواره گردند.

از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که دخالت نظامی اردوخان در لیبیا، سناریوی مصر در لیبیا نیز تکرار شود و جنرال حفتر به «عبدالفتاح السیسی» دیگر تبدیل شود و در نهایت آخرین حکومت اسلامی دولت السراج در طرابلس، در آفریقا و جهان عرب سرنگون شود.

جالب است که اردوخان برای نخستین بار، دم از حضور یک میلیون شهروند لیبیایی ترک تبار در لیبیا می‌زند و این که برای حمایت از آن‌ها دخالت می‌کند؛ امری که حساسیت‌های زیادی را برانگیخته است. این نخستین بار است که چنین مسأله‌ای به عنوان پوششی برای دخالت نظامی پیش روی مطرح می‌شود، بسیار خطرناک است! فرض کنیم ترک تبارهای در لیبیا هستند اما باز این سؤال مطرح است که چه کسی جان ترک تبارهای لیبیایی به خطر است که ارتش ترکیه برای نجات آن‌ها به این کشور اعزام می‌شود؟ یا چرا این شهروندان، از سایر شهروندان لیبیا متمایز شده‌اند؟

اما این ادعای اردوخان، می‌تواند خطاب به جامعه ترکیه باشد که احساسات ناسیونالیستی شهروندان ترکیه را تحریک کند تا این اقدام جنگ طلبانه و توسعه طلبانه خود را با حمایت آن‌ها پیش ببرد.

بی‌گمان جنگ لیبیا دو یا سه سال طول خواهد کشید. نه حفتر آن قدر قدرتمند است که بتواند در جنگ پیروز شود و نه عقبه قوی دارد که بتواند او را در جنگ حمایت کند. طرف مقابل حفتر هم آن قدر ضعیف نیست که او بتواند چند روز طرابلس را تصرف کند. و نه اجماع و اراده بین المللی وجود دارد که به این وضعیت فلاکت بار مردم لیبیا پایان دهد.

بی‌گمان رویاهای بیمارگونه، مالیخولیایی، جنگ طلبانه و اشغال‌گرانه اردوخان و دولتش از کردستان سوریه (روژآوا) تا لیبیا، از آفریقا تا آسیا، به ضرر مردم ترکیه است و هر چه بیش‌تر این کشور را در باتلاق بحران‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماسی برده و پیش از هر کس خود اردوخان و دولتش را خفه خواهد کرد.

سه شنبه هفدهم دی [جدی] ۱۳۹۸ - هفتم جنوری ۲۰۲۰